



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۵۲

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات فعل از دستور )

سه شنبه ۸ مهر ماه ۱۳۰۹ - ۷ جمادی الاولی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه  
داخله ۱۰۰ تومان  
خارجه ۱۲۰ تومان  
تک شماره: یکقران

مطبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه هشتم مهر ماه ۱۳۰۹ \* (۷ جادی الاولی ۱۳۴۹)

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )
- ۲ ( تصویب يك فقره مرخصی )
- ۳ ( شور در لایحه استخدام مهندس زابنی )
- ۴ ( تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه )
- ۵ ( تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه )
- ۶ ( موقع جلسه بعد - ختم جلسه )

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس یکشنبه ششم مهر ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

رئیس - آقای فیروز آبادی  
 فیروز آبادی - قبل از دستور.  
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( نمایندگان .. )  
 خیر ( صورت مجلس تصویب شد . )

\* عین مذاکرات مشروح بکصدو پنجاه و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )  
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین با اجازه - آقایان : حیدری - وهاب زاده - ملک آرائی - دکتر طاهری - انسر - پوشه‌ری - امیر هامری -  
 شبلی - مفتی - عدل - آصف - فرشی - فتوحی - لرستانی - رحیم زاده - عراقی - اسکندری - مرآت اسفندیاری - اورنگ -  
 مقدم - بروجردی - امیر حسین خان - حاج فلاح‌الحین ملک - انجمنی - فرشی -  
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - مسعود - محمد ولیدیرزا - بیات ماکو - شهادت - اعظم - حاج رحیم آقا  
 میرزا ابو الفیض - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - عباس‌پیرزا - یور محسن -  
 دکتر امیر اعلم - دیوان بیگی - اسعد - بیات - تیمور تاش -  
 دیر آمده‌گان با اجازه - آقایان : نجومی - روحی - طهرانی - عبدالحسین خان دیبا - شریعت زاده - امیر دولتشاهی  
 احتشام زاده - قوام - ضیاء - حکمت .  
 دیر آمده بی اجازه - آقای ناصر .

## [ ۲ - تصویب يك فقره مرخصی ]

رئیس - يك فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده قرائت میشود .

مرخصی آقای ابراهیمی

نایبند محترم آقای امیر ابراهیمی تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ پانزدهم شهریور ۱۳۰۹ نموده اند و پنجاه تومان از حقوق این مدت را بانظارت شیروخورشید سرخ برای مصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم تخصیص داده اند کمیسیون بانقضای ایشان موافق و اینک خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقایان موافقت ؟ ( بلی ) موافقت باین مرخصی قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد

## [ ۳ - شور در لایحه استخدام مهندس ژاپونی ]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع بااستخدام مهندس ژاپونی برای راه آهن قرائت میشود

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۴۳۹۳ دولت در کمیسیون بودجه با حضور آقای وزیر مالیه مطرح و در نتیجه موافقت حاصل گردید اینک راپورت آنرا برای تصویب تقدیم ساحت مجلس شورای ملی میباید:

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت طرق و شوارع اجازه میدهد که آقای حجه سوزوکی مهندس ژاپونی را از تاریخ حرکت از راپون برای مدت شش ماه بسمت مهندسی اداره راه آهن استخدام نماید .

ماده دوم - حقوق مهندس مزبور از قرار ماهی دوپست و چهل لیره انگلیسی و مخارج ایاب و ذهاب مشارالیه جمعاً پانصد لیره انگلیسی خواهد بود که از محل انحصار قند و شکر برداشته خواهد شد .

ماده سوم - برای مدتیکه مهندس مزبور در خدمت دولت است خانه مناسبی برای اقامت مشارالیه تهیه میشود و در صورتیکه تهیه خانه بااختیار مهندس مزبور گذاشته شود ماهی یکصد و پنجاه تومان بابت کرایه خانه از محل انحصار قند و شکر به مشارالیه پرداخته خواهد شد

ماده چهارم - سایر شرایط و قرار داد استخدام مشارالیه مطابق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد  
رئیس - خبر کمیسیون امور خارجه در این موضوع قرائت میشود .

خبر کمیسیون

لایحه نمره ۴۳۹۳ دولت راجع بااستخدام يك نفر ژاپونی برای راه آهن در جلسه ۶ مهر ماه ۱۳۰۹ کمیسیون امور خارجه مطرح راجع به ملیت آن بعد از مذاکرانی موافقت حاصل و راپورت کمیسیون بودجه در این خصوص موافقت نموده و باطلاع مجلس مقدس شورای ملی میرساند .

رئیس - مذاکره در کلیات است . آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - بنده از انجائی که میل دارم مثل همه آقایان این وجهی که مردم باین خون دل و باین اشتیاق و میل میدهند که خط آهن صحیحی داشته باشند و نقداً به مقصودشان نائل نشده اند ( امیدواریم بعدها بشوند )

از روز اول دولت متخصصین و مهندسینی آوردند . ششصد هزار تومان بآنها داده شد بعدگفتند بی نتیجه ماند . بعددومرتبه آمدندان متخصصین را کنتراکتران کردند . کمپانی کردند ۳۳ کرور یا ۳۴ کرور خرج شده تا بحال و ظاهراً بی نتیجه مانده . حالا دیگران آمده اند هشت میلیون و خورده بالا می خواهند جهت تعمیر يك قطعه از این راه آنها نمیدانم بچه نظریات يك متخصصی چند روز قبل کترات کردیم جهت این راه به يك مبنای آنرا هم مجلس رأی داد . حالا مستخدم ژاپونی آورده اند که ما آرزومان این بود اینها که ژاپونی و آسیائی هستند با ما موافقت خواهند کرد . اول موافقت شان این است که در ماهی دوپست و چهل لیره انگلیسی از ما حقوق می خواهند . آخر این دوپست و چهل لیره انگلیسی حقوق در ماه به پینید چقدر میشود ؟ تقریباً ماهی دو هزار تومان می شود . این کمکی است که آسیائیها با ما میکنند . غرض این است که ما باید خودمان آدم بشویم و تا خودمان آدم نشویم هیچکس بدرد ما نمیخورد هرکس میاید برای کار ما ضرر ما

است و جهت ما کار نمیکند . عرض دیگرم این بود وقتیکه این لایحه اول آمد صدوچهل لیره انگلیسی بود در هرامهی . حالا دوپست و چهل لیره شده صد ناهم در مجلس برش افزوده اند مجلس مال دولت را خیلی زیاد میداند عایدات دولت را خیلی زیاد میداند . در این زیاد کرده یا فکر دیگری است نمیدانم . در حال نمیدانم چه فکری است که در عوض اینکه مبلغ را نصف کنند صدتا برآن در مجلس افزوده می شود . این هم اسباب نأسف من است که لایحه در مجلس میاید و چیزی زیادتر از لایحه پیشنهاد دولت می شود . از همه اینها گذشته مکرر عرض کرده ام این خط آهن بدرد ما نمیخورد پول مردم از بین میرود مردم هم تمام می شوند بواسطه این خط آهن و بعد از تمام شدن آنها تازه بار نداریم که بارش کنیم و خرج گزافی هم در هر سال بجهت نگاهداری آن باید متحمل شویم و دست آخر ول کنیم چون این چیزها را بنده میدانم لهذا هر وقت که مذاکره این خط آهن بشود بنده مخالفت خودم را عرض میکنم .

کفیل وزارت طرق و شوارع ( آقای تقی زاده ) -

ابتدا برای رفع شبهه آقا عرض میکنم که در مجلس چیزی اضافه نشده است از اول ۲۴۰ لیره بوده است فقط اشتباه قلم شده است یعنی اشتباه کتابتی شده و ۱۶۰ لیره نوشته شده و بعد اصلاح شده خود وزارت در مذاکره که بامهندس کرده در ۲۴۰ لیره بوده و يك فکر دیگر این است که این دوپست و چهل لیره را نباید دو هزار تومان حساب فرمایند این دلیل این است که ما پول خودمان را خودمان قبول نداریم هر لیره فعلاً شش تومان است دولت از شش تومان يك شاهی بیشتر قبول ندارد و اینهم هزار و پانصد تومان هم نمی شود اما در باب سایر مطالب و اصول و کلیات که صحبت فرمودید اصل مسئله معین نکردید همان مطلبی بود که در استخدام مهندس بلژیکی فرمودید و شاید بعدهم که مهندس ایتالیائی استخدام کنید تکرار فرمایند اساساً به بنای راه آهن معتقد نیستید یا صلاح نمیدانید آرزو هم عرض کردم این مطلب دیگری است که اگر حالا میخواستند راه آهن شروع

کنند ممکن بود فرمایند اما این راه آهنی که شروع شده است ما میخواهیم فعلاً آنرا تکمیل کنیم بعدهم تمدید بکنیم بعد که تمدید میکنیم ممکن است این مسئله بحث شود و فرمایند ولی این قطعه را که دولت شروع کرده است و مقدار کلی هم پیشرفته است بقیه اش را باید تکمیل کند تا روپراه شود از صد نفر دو نفر پیدا نمی شود که شك کند که بگذاریم تا تمام این بولی را که صرف کرده ایم و مخارج کرده ایم هدر برود و باد و باران و آفتاب بهمیش بزند این است که این را باید تکمیل کرد و نگاهداری کرد و راه انداخت و البته مقتضای عقل و اقتصاد هم ظاهراً اینطور است که حکم میکند که این را باید تمام بکنیم و این استخدامها بیشتر برای اینکار است که چه نظارت در عمل تکمیل راه آهن شمال و مباشرت در تکمیل قسمت جنوب به عمل آید و این چیزی هم که فرمودید ما فلان قدر خرج کردیم و چیزی نشد و دوباره فلان قدر خرج کردیم و چیزی نشد این صحیح نیست برای اینکه خوب آدم يك عمارتی بنا میکند که هزار تومان خرج دارد بعد از آنکه صدتومان خرج کرد بعضیها میگویند که ما صد تومان خرج کردیم چیزی نشد بعد يك دوپست و پنجاه تومان دیگر هم خرج میکند باز هم می بیند که نشد از اول که نگفته بودند با این مبلغ می شود باید خرج را بطور کامل بکند تا تمام شود وقتیکه دولت از اول شروع کرد خودش خواست اینها را بنا کند مختصر خرجی کرد و بعد ناچار شد و بعهده سندیکا گذاشت و اگر سندیکا هم ادامه میداد البته تمام میکرد ولی يك اختلافاتی با او پیدا کرد که دولت مجبور شد در نتیجه آن اختلافات فسخ کند کنتراهارا و يك قدری ناقص ماند و حالا هم منصرف شده است دولت قصد دارد همانطور که سندیکا تمام کرده خودش تمام کند در طرف شمال باز هم يك کمپانی دیگری جسای سندیکا را گرفته در قسمت جنوب هم در نظارت که خود دولت مباشر بگذارد و تمام بکند و اما اینکه برای اینکار چرا مهندس استخدام میکنیم در این هم شك نیست برای اینکه مهندس شاید مثل اینکه هیچ نداشته باشیم یکی دوتا مهندس ایرانی و يك مهندس

خارجه کافی نیست شاید ما ده ن مهندس بخواهیم و اگر خودمان بخواهیم مباشرت کنیم و بسازیم شاید بیش از اینها احتیاج داشته باشیم بنده برای اطلاع آقا عرض میکنم که همین تیکه کوچک شما که سندیکا میساخت گویا صد و هجده نفر مهندس آلمانی و غیره در آنجا کار میکرد برای اینکه مهندس میخواهد و تکلیف میخواهد معمار میخواهد کسیکه سیمنت میسازد میخواهد هر کدام يك استاد میخواهد و ما اغلب آنها را نداریم اما راجع بگرانی مهندس فرمودید از این کمتر ما نمی توانیم هیچ مهندس از ممالک دور استخدام کنیم و چنانچه آقا مسبقاً عین همین مبلغ برای مهندس بلژیکی بود که چندی قبل ( گویا یکماه یکماه و نیم قبل بود) که استخدامش در مجلس تصویب شد (فیروز آبادی - آنها زیاد بود) آنهام دوپست و چهل لیره بود منتهی آنرا ششماهه اش را یکجا هزار و چهار صد و چهل لیره و این را ماهانه نوشته ایم دوپست و چهل لیره که همان مبلغ است و البته از راپون نه يك مملکت دوری است و میزان زندگی در آنجا از بلژیک ارزان تر نیست بلکه گرانتر است کمتر از این راضی نمی شود مهندس که بیاید و بالاخره در این معامله بقول خودمان چانه زدن بعمل آمده است خیلی بیشتر از اینها میخواهند و شرایط سنگین تری میخواهند و ما همه آن شرایط را تخفیف دادیم و بحد اقلی که ممکن بود موافقت شود آوردیم و این را دوباره دیگر نمی شود مذاکره و تغییر داد و هیچ تغییری ممکن نیست این است که در اصل موضوع یا باید که مصمم شد مهندس را استخدام کرد یا نکرد اگر بنا شد بکنیم کمتر از این نمی شود .

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.  
رئیس -- رای میگیریم بورود در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

( جمعی قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد . ماده اول قرائت میشود  
ماده ۱ - مجلس شورای ملی بوزارت طرق و شوارع اجازه میدهد حجه سوزوکی مهندس ژاپونی را از تاریخ

آنوقت چه میشود ما پولی داده ایم اختلافی هم پیدا کرده ایم قوه این را هم نداریم که بدانیم کدامیک از اینها مقدمترند آقای فروغی شما نماینده ما بودید در جامعه ملل و يك شخص عالم دانشمندی هستيد آقای تقی زاده همینجور بنده جاهلم آقا اینها آمدند پول هم بسلام و صلوة (همینطور که آقای امیر تیمور گفتند مذاکرات کافی است) خوب دادیم بعد از ششاه این پول هم رفت آخر فکر بکنید مجموعه مهندس چه میکنند برای ما آخر اینقدر تزلزل این قدر عدم تصمیم نسبت بيك مسئله و يك موضوعی خوب نیست غیر از این نیست که این وزیر نباشد آن وزیر باشد پول از بین می رود مفلس میشویم سی و دو کرور چهل کرور می رود تمام ثروت در ایران آقایان میدانند سی کرور چهل کرور بیشتر نیست این چهل کرور همینجور روزی اینقدرش را بدهیم چه میشود يك ملتی آنروز نامه کرمان را بخوانید حقیقتاً آهای کرمانی ها من دیشب گریه میکردم از آن فقر و فاقه که در کرمان هست علت چیست علت اینست که قالی را نمیخرند دستچربی که داشتند از بین رفت عبا و قبا هم که از بین رفته است همه ما فهم که باید هر صبح مبالغی چیز کنیم بفرمائید به بینم چکار کنیم این زراعتان اینهم تجار تان اینهم صنعتیان این هم مخارج بزرگ منشیان این خواجه تاشانیمان مینویسید دوپست و چهل لیره آقای تقی زاده میفرمایند لیره یکی شش تومان است بنده پیشنهاد میکنم همان شش تومان را حساب کنید دوپست و چهل لیره چقدر میشود معنی ندارد در مجلس شورای ملی شما وزیر ملی ما پیشنهاد کنید لیره انگلیسی خیر تومان همان تومان ایرانی هر قدر بیکه میخواهید تومان ایرانی باشد برای چه لیره چطور آنجا صد و پنجاه تومان مینویسید اما اینجا لیره آنجا چه چیز است اینجا چه چیز است خوب لیره شش تومان است آنرا حساب کنید شش تومان بنده پیشنهاد میکنم بحساب شش تومان باشد ما باید اشتراك مساعی کنیم این يك موضوع موضوع دیگر اینكه آقای تقی زاده نه در آنجا دلیلی كه بنده بتوانم

قانع شوم و نه در مجلس دلیل لزوم آوردن این مهندس را فرمودند هر لایحه كه میآید باید لزوم آنرا بگویند كه بچه دلیل ما محتاجیم يك مجموعه مهندس در اینجا بیآوریم مجموعه مهندس من نمیتوانم بفهمم چطور میتوانند توافق نظر پیدا کنند از کجا میدانید که اینها حکومت واحد خواهند کرد اینها در دهائی است که من والله خدا شاهد است بنام انبیاء مرسلین من معتقد ترین اشخاص هستم بشخص آقای تقی زاده بدوكت حاضره بنام مقامات اما اینها چیزهایی است که اذعان میکنم والله نمیفهم این يك بدبختی است عرض میکنم این بولمان این وضعمان اینها آمدند آقا ژاپونی روسی آلمانی و این پنج نفر نشستند حاصل این پنج نفر چیست آقای دشتی در کمیسیون فرمودند آقای وزیر محترم مالیه ترتیب اثر بدهید کارل را اقتدر راپرت داد که آقا این سندیکا ضرر دارد برای ما چرا ترتیب اثر ندادید آقا آن مهندس روسی که برای راه آهن بود اینهمه راپرت داد خوب حالا آمدند دیگر این مهندس ژاپونی هم آمد و خبر داد مهندس ایتالایی هم آمد و خبر داد چه ترتیب اثری غیر از دادن پول چیزی هست بنده هیچ لزوم اینها را نمیدانم ترتیب دادن يك مجموعه از مهندس و يك کمیونی از مهندسین هیچ نتیجه ندارد و دلیل ملزم بودن ما که يك هیئت مهندس از دول دیگر بیآوریم چیست ؟ بله يك چیزی دیشب مطالعه میکردم نازیانه غیرتی است برای ما که اگر در هفتاد سال پیش كه ژاپون قدم باصلاحات میگذاشت ما هم میگذاشتیم حالا ما هم يك مهندس ایرانی داشتیم هر چه فكر كردم مطالعه كردم به بینم چه نفی برای ما دارد دیدم این يك نازیانه غیرتی است برای ما که ایداد و بیداد اگر ما در هفتاد سال قبل همان رفتی که ژاپونی ها قدم بمیدان سعادت و ترقی گذاشتند اگر ما هم می گذاشتیم امسال ما هم سلطان

حجمه داشتیم

رئیس - آقای کیا موافقید ؟

کیا - بنده عرضی نداشتم

**رئیس** - آقای وزیر، البته فرمایشی داشتید ؟  
**وزیر مالیه** - بنده معذک با همه بیانات آقا درست آن نقطه را که بیشتر ایراد داشتند تشخیص ندادم ( آقا سید یعقوب - لزوم ) یعنی چرا از زاپون مهندس میآورند یا اینکه چرا ؟ مدت کم میآورند یا اینکه حقوق زیاد میدهند . عرض میشود . در لزومش اگر عقاید مختلف بشود بنده عرضی ندارم ولی چیزیکه ما لازم تر از همه چیز داریم در میان این صحبتهایی که میشود آنچه که مهمتر و لازم تر و بیعیب تر و بلکه مستحسن تر از همه است همان استخدام مهندسین است برای اینکه مهندس نداریم و مهندس را هم منتها برای رأی و مشورتش نمیخواهیم برای اینکه در یکجائی برود و مراقب راه آهن بشود یا درجائی دیگر برود که راه آهن بسازد میخواهیم . ما میخواهیم راه آهن بسازیم و تمدید بکنیم و برای ساختمان آدم لازم داریم و نداریم این چیزی هم که میفرمایند در گذشته اعتنا نکرده اید بنده مسبوق نیستم و گمان میکنم دولت در موقع خودش اعتناء بحرف مهندس خودش کرده است ولی بنده میتوانم اطمینان بدهم از وقتی که بنده متصدی وزارت طرق و شوارع شده ام همیشه برای مهندسین خودمان و با آنها کمال اعتماد دارم ولی بد بختانه کم هستند بحرف آنها اعتماد کرده ام و مطابق رأی آنها عمل کرده و حرف کوچکی هم که گفته اند اهمیت داده ام و بنابر همین بوده است که جلوی خیلی از معایب هم گرفته شده است و وقتی که آن مهندس ما يك رائی بدهد ( و البته خیلی بهتر میشود که چند نفر از مهندسین ما يك رائی بدهند ) و اگر طرف ما که يك کاربرا باو سپرده ایم او هم حرفی بزند البته ماحرف مهندسین خودمان را ول نمیکنیم که حرف او را بگیریم تا حالا این گرفتاریها را داشتیم که مهندس کم داشتیم . بعضی اوقات يك نفر بود میرفت يك چیزی را میدید بعضی اوقات هم این خیال حاصل میشود که شاید در موقع بحث یکی میتواند بگوید آن دیگری اشتباه کرده است و بعلاوه

آن چیزیکه عرض کردم تنها برای مشاوره و رأی نیست برای مباشرت ساختمان است اول عرض کردم خیلی مهندس میخواهد یکی دو نفر کافی نخواهد بود باز هم عرض میکنم شاید استخدام مهندس دیگر هم لایحه اش به مجلس بیاید و باز همین مطالب تکرار خواهد شد ولی ما هر چه هر اندازه که لازم است باید مهندس استخدام کنیم و این را آقا باید ملتفت باشید که اگر ما این مهندس را استخدام نکنیم پول ما هدر میرود .

**ملک مدنی** - کافی است

**رئیس** - کافی است ( بلی ) پیشنهادها قرائت میشود .

**پیشنهاد آقای کیا**

بنده پیشنهاد مینمایم جمله : ( از تاریخ حرکت زاپون ) از ماده ۱ حذف شود  
**رئیس** - آقای کیا

**کیانوری** - چون این مبلغ زیاد است تقریباً با کرایه در حدود هزار و نهصد و نود تومان میشود در ماه باین جهت بنده میخواهم عرض کنم که از تاریخ حرکت از آنجا اولاً نمکنست که این مسافرت طول بکشد و چون حقوق ایاب و ذهاب هم در ماده دو منظور شده این از تاریخ حرکت حذف شود چون خرج سفر میگیرد و بعلاوه ماهی دوست و چهل یا دوست و پنجاه لیره حقوق میگیرد آنوقت این از تاریخ حرکت چیز زائیدی است بجهت اینکه در ماده دو برایش خرج سفر گذاشته اند  
**رئیس** - نظر آقای مخبر چیست .

**مخبر** - عرض میشود که اینها جزئیاتی است و بعقبه بنده هم خوب است که آقا موافقت بفرمایند پیشنهاد شانرا مسترد کنند زیرا که دولت با این مهندس يك مذاکرانی کرده است و تمام کرده است وقتی که شما بيك مهندس ماهی دوست و چهل لیره حقوق میدهید و فلان مبلغ برای منزل و این ها برای اینکه پنجروز دیر تر حرکت کند یا زود تر آنقدری تفاوت

ندارد نباید حرف زد خوبست موافقت بفرمایید همینطور بگذرد

**رئیس** - آقا یانیکه پیشنهاد آقای کیا را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
 ( عده قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد - رأی میگیریم بماده اول موافقین با ماده اول قیام فرمایند  
 ( اکثر برخاستند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود  
 ماده دوم - حقوق مهندس مزبور از قرار ماهی دوست و چهل لیره انگلیسی و مخارج ایاب و ذهاب مشار الیه جماعاً پانصد لیره انگلیسی خواهد بود که از محل انحصار قند و شکر پرداخته خواهد شد  
**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - وقتی که لایحه دولت طبع و توزیع شد بنده شب که مطالعه می کردم حقیقه صد و چهل لیره بنظر زیاد آمد بعد که آمد در کیسیون برگشت شد دوست و چهل لیره آقای وزیر مالیه فرمودند قیمت لیره شش تومان است پس بنده نظریه آقای آقا سید یعقوب را عرض میکنم لا اقل با همان شش تومان تسعیر بکنید و تقریباً ماهی هزار و پانصد تومان بیول خودمان بنویسیم و الا اگر دوست و چهل لیره باشد و با آن تسعیراتیکه غیر از بانک ملی میکنند خیلی بضرر ما تمام میشود و از طرفی واقعا همانطوریکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند باید ملاحظه کرد که این پول از کی گرفته میشود این پول از اشخاصی گرفته میشود که قند و چای استعمال میکنند و تقریباً تمام مردم ایران هستند و فقرا و بدبختها آنوقت ما اینجور بی مطالعه خرج کنیم این چیز خیلی خوبی نیست و لا اقل تومانش بکنیم بنده معتقدم که باشش تومان تسعیر بکنیم و همان مبلغ تومان را بنویسیم و الا خیلی بضرر ما تمام میشود  
**رئیس** - آقای دشتی موافقت

**دشتی** - مخالفم بنده

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - مخالفم

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنظر بنده وقتیکه دلائل لزوم يك متخصص تصویب شد باید در نظر گرفت اوضاع مالی مملکت خودش را و بالاخره باید تطبیق کرد با زندگی مادی آن مملکت و دید بجهت نحو مقتضی است که قبول پیشنهادات بشود . بنظر بنده دولت در زمینه مذاکره با نماینده زاپون و همچنین با مطالعه در این خصوصیات و در نتیجه وظایف خودش این موافقت را ایجاب کرد . ما در اینجا صحبت میکنیم که شش تومان بنویسند یا لیره انگلیسی بنویسند یا چطور بنویسند یا کمتر کنند بنظر بنده مناسبت ندارد اگر نظر آقایان اینست که اساساً این مبلغ سنگین است و نباید تصویب کرد باید ماده اول رد بشود و اگر نظر آقایان اینست که استخدام این متخصص لازم است و پیشرفت فکر ملت و مملکت در موضوع راه آهن این ضرورت را ایجاب میکند باید متوجه این معنی باشد که تعیین حقوق باید با رعایت مصالح آنشخص و اوضاع مملکتی که او زندگی میکند باشد . چون آقای آقا سید یعقوب محل اعتماد هستند و توضیحات ایشان مبنی بر این بوده که رضایت اینشخص بکتر از این مبلغ نمیشود باید موافقت کرد و بعلاوه آقا خودشان در نظر دارند که ما فعلاً واحد طلائی انتخاب کردیم و تقریباً آن واحد طلا تقریباً مقابلی میکند باین پول حالا اصراری نداریم و نباید داشته باشیم و بعلاوه تا مبن این مطلب که حتماً امروز تبدیل بقران باید کرد و بقران نوشت ضرورتی ندارد و بالاخره هیچ مصلحتی را برای ما تأمین نمیکند

**رئیس** - آقای دشتی

**دشتی** - عرض کنم که در اصل لزوم استخدام مهندس بنده وارد نمیشوم برای اینکه آقای وزیر

طریق معتقدند که مهندس کم دارند و باید استخدام بشود ولی راجع بحقوقش بنظر ما کفاف میآید و این که چون آقای وزیر طرق فرمودند لازم است پس بنا بر این بهر مبلغی که گفته شده است ما قبول کنیم این اصلی است که قابل تصدیق نیست. این در صورتی است که ما اولاً معتقد باشیم به اینکه مهندس لازم است و بعد هم مهندس منحصر به فرد باشد یا اینکه منحصر به يك عده باشد که از این قیمت هم کمتر حاضر نباشند (آقا سید یعقوب - صحیح است) یا اینکه در این مهندس مایک مزایائی تشخیص داده باشیم که حتماً او را لازم داشته باشیم و از این جهت بهر قیمتی باشد باید او را استخدام کنیم. عرض کنم کارل یکی از مهندسين خوب ما است و عرض میکنم امریکائی هم هست و در امریکا هم ارزاق و زندگانی تقریباً پنج برابر شش برابر کران ز ژاپون است مع ذلك ما کارل را در ابتدا به هفت هزار دلار استخدام کردیم یعنی تقریباً به ثلث قیمتی که امروز این شخص را می خواهیم استخدام کنیم برای اینکه اگر لیره را شش تومان حساب کنیم تقریباً هزار و پانصد تومان در ماه میشود و در سال قریب بیست هزار تومان است و الا با تسعیر واقعی اگر بخواهیم حساب کنیم خیلی بیش از این میشود آنوقت بعد از آنکه کارل آمد اینجا و دو سال کار کرد و ما از خدمات او راضی شدیم و عرض کنیم وزارتخانه تصدیق کرد که او را لازم دارد آنوقت تقریباً به بیست و هشت هزار دلار استخدام کردیم. عرض میکنم این اصل یعنی اصل زیاد کردن حقوق مستخدمین باعث آن شده است که هر وقت ما خواستیم يك کسی را استخدام کنیم او نگاه میکند بمستخدمین سابق می بیند چون حقوق آنها زیاد است او هم تقاضای حقوق زیاد میکند بعلاوه از ممالک دور استخدام کردن این بدیدار دارد که چون آنها از مملکت ما از وضعیت ما اطلاع ندارند رغبت ندارند بیایند اینجا و لذا شرایطشان را سنگین تر قرار میدهند و چون خیال میکنند که اینجا

زندگانی کران است شرایط سنگین قرار میدهند و دلیلش اینست که وزارت طرق هر چه با آنها مذاکره میکند آنها از دو بست و چهل لیره کمتر نمیگیرند آنوقت وزارت طرق هم قبول میکند لزومی ندارد رأیونی کار کنند ممکنست از آلمان استخدام کنند از بلژیک از ایتالیا و خیلی از این مناسبت و ارزانت از این تمام میشود و هم چنین از روسیه هم ما میتوانیم استخدام کنیم و خیلی خیلی هم از این ارزانت است مثلاً ملاحظه کنید خرج ایاب و ذهاب را پانصد لیره سه هزار تومان معین کرده اند خرج ایاب و ذهاب از ژاپن باین جا برای چه پانصد لیره برای هر طرف هزار و پانصد تومان خوب با کشتی هم که میآید با درجه اول کشتی حساب که بکنیم بنده تصور میکنم در حدود پانصد تومان هشتصد تومان بیشتر نشود و هزار و پانصد تومان ابتدا نمیشود و پیشنهاد اعتراضی که آقای کیا کردند کاملاً وارد بود شما که مهندس استخدام کردید وقتی که وارد شد این جاحقون بدهید شما میفرمائید که از روزی که حرکت میکند بلکه دلش خواست که يك هفته در بمبئی و کراچی گردش کند دو هفته هم در تخت جمشید گردش کند و تماشا کند آنوقت شاید بعد از دو ماه وارد این جا شود شما مجبورید این دو ماه را پول بدهید چه داعی دارید و چه الزامی دارید باین کار خرج خانه را هم که مینویسید با دولت است بالطبع خرج مسافرت هم دارد آنوقت تمام خرجش با دولت است پس این دو بست و چهل لیره را برای چه میگیرد حالا آمدیم برای آن دولت خانه معین نکرد باید ماهی صد و پنجاه تومان از برای کرایه خانه او بدهد آخر این چه پولی است که داده میشود مگر پارك میخواهد اجاره کند؟ چه معنی دارد این همه گشاد بازی با این ضیق بودجه مخصوصاً يك وزیرى که هم وزیر طرق و شوارع است و وزیر مالیه که به منتهی درجه سیمی در صرفه جوئی دارد این امر فوق العاده عجیب بنظر می آید.

**کفیل وزارت طرق و شوارع** - بنده میخواستم که فرمایشاتی که آقا فرمودند یکی یکی جواب عرض کنم

ولی میترسم نشود این جور چون چیز هائی فرمودند که ممکن است اسباب سوء تفاهم بشود بدبختانه خیلی از این اصول یا مطالبی که اساسش روی آن گذاشتند خود اساسش کاملاً دقیق و صحیح نیست با کشتی به بوشهر نمی آید از راه آهن به مسکو میرود و از مسکو به بادکوبه می آید آمریکا پنج شش برابر از ژاپون گرانتر نیست شاید يك و نیم ژاپون از امریکا گرانتر باشد خیلی دست بالا که باشد دو برابر میشود. کارل را به هفت هزار دلار استخدام نکرده بودیم اول با نه هزار یانه هزار و ششصد دلار او را استخدام کرده بودیم حالا اینهارا یکی یکی عرض میکنم مسئله این که از تاریخ حرکت از ژاپن چرا میدهیم برای این که ما باید بمنون بشویم یعنی آقایان باید ملتفت باشند که آن قسمتی که برای برگشتن ژاپن را هم میخواستند از ما بگیرند و ما آن را حذف کردیم برای این که اساس کار آنها این طور است که در يك جائی که میخواهند مستخدم بشوند از محل خودشان که خارج میشوند حقوقشان را میخواهند یعنی دولتی یا کمپانی که آنها را عاریه میدهد و قرض میدهد از روزی که از آن جا خارج میشوند پول میخواهند بعضی هاشان شده است که میگویند وقتی به منزلت ما بر میگردیم تا يك ماه دیگر باید پول و حقوق بگیریم راست است که ایرانیها وقتی از شهری به شهر دیگر میروند در موقع جریان چیزی نمیگیرند و از وقتی وارد شهر دیگر میشوند و مشغول کار میشوند حقوق میگیرند ولی آنها هم در این موقع حقوق انتظار خدمت میگیرند حالا این شخص موقع آمدنش را ما قبول کردیم ولی مراجعتش را ما قبول نکردیم این که شاید دو ماه در تخت جمشید و بوشهر و این جا ها بماند اینها نیست و اینطور نیست برای این که جزئیاتش در کنتراستی که منعقد میشود ذکر میشود و ما گفته ایم که در کوتاه ترین مدت باید این جا برسد و تقریباً مسلم است که بیش از سه هفته طول

نکشد از وقتی که حرکت میکند شاید دو هفته منتهی سه هفته دیگر این جا خواهد بود. اما مسئله این که چرا صد و پنجاه تومان میدهند صد و پنجاه تومان را برای خانه تنها که میدهند درست است صد و پنجاه تومان در طهران خانه عالی میشود ولی این آدم که نمسی آید برای ششماه صندلی و میز و تمام مبل و این ها را چند هزار تومان خرج بسکند و تمام اینها را بیاورد و همیشه به ما مورین بلژیکی و ما مورین آمریکائی همیشه خانه داده اند یعنی خانه مبله خانه که تویش اثاثیه باشد برای این که آدم غریب در جائی که نمیتواند فوراً خانه تهیه کند لهذا یا دولت باید يك خانه مهیا بسکند و بهشان بدهند یا صد و پنجاه تومان بهش بدهند هر کدام که صرفه دارد همان را خواهیم کرد. اما لب مطلب را عرض کنیم که واقعاً همیشه این مذاکرات میشود اما بنده میخواهم لب مطلب و حقیقت را عرض کنم برای این که وقتی به اصل مطلب متوجه شدید شاید در آتیه هم بشود وقتی که قانون استخدام يك خارجی به مجلس می آید شاید حقش این است که مجلس شورای ملی مذاکره کند که این لازم است یا لازم نیست وقتی که بجتهائی لازم است یا ملتیش مطلوب نیست یا کار لازمی ندارد همیشه دلا بدارا به آن قیمت تمر کردید آنوقت بارید کنید یا قبول کنید ولی بعد از آن که این چیز ها قبول شد بنده باید از راه حقیقت کوفی عرض کنم که برای هر قسمت که پیشنهاد میشود باید يك جوابی مثل اول عرض کنیم بعد رأی بگیرند حالا که معین شده است مثلاً صد و پنجاه تومان ما نمیتوانیم صد و بیست تومان بدهیم میگویند دولت قبول کرد یعنی وزارت طرق و شوارع قبول کرده بنده قبول نکرده ام قبول مقید قبول بشرط. قبول بتصویب مجلس شورای ملی است اگر مجلس قبول نکند بنده قبول ندارم و ما هم این را در اصول قبول کردیم و بعد از مذاکرات زیاد و چانه زدن آن چیزی که ممکن بوده است معین کرده ایم. حالا اگر مجلس برگرداند چه در این موضوع و

حرکت از زاپون برای مدت شش ماه بسمت مهندسی اداره راه آهن استخدام نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - خوشبختانه دو نفر از آقایان وزراء در مجلس تشریف دارند که کاملاً هم بنده به آنها حسن عقیده دارم و هم خودشان مستحضرنند اگر ما صحبتی میکنیم نه بعنوان ابراد بردولت است برای اینکه حقیقه همه ما اشتراك مساعی داریم برای اینکه قدمهایی برای مملکت برداشته شود و کمر تخمیلات بر مردم بشود این را گمان میکنم هم آقای فروغی وهم آقای تقی زاده بدانند حالا رفته اند وزیر شده اند و آن عقیده که در مجلس داشتند تغییر کرده است آنوقتی که در مجلس بودند آقای تقی زاده فریاد میزد چقدر پول خرج صندلی میزد بشود حالا می آید دفاع میکند بکدمه از برای یک مستخدمی ماهی دوهزار تومان خوب دولت وقتیکه دولت شد یک تکلیف علیحدده دارد پس عرایضیکه ما میکنیم از روی کمال حسن عقیده است نسبت بدولت و دردی است عرض میکنم در کمیسیون امور خارجه آقای تقی زاده هم که تشریف داشتند بنده ب شکوی کردم حقیقتاً یعنی خیلی ناله کردم حالا هم ناله میکنم یعنی بشما عرض میکنم آقا اینجا به بینید در واقع یک مجموعه مهندس میخواهند بیاورند یکی از آلمان یکی از بلژیک یکی از زاپون یکی از جای دیگر این مجموعه که میخواهند تشریف بیاورند یکی شش ماه هم بیشتر نیستند بهر یکی دو بیست و چهل لیره بدهند آنوقت حساب کنید ششماه هم آمده اند اینجا هیئت قضاة هستند میآیند در اینجا قضاوت بکنند مابک شکایتی داریم شکایت خودمان را میخواهیم ببریم باین هیئت بگوئیم این سندیکا سر ما چه آورده است نظر این است که کدام یک از این ها پیشنهاد بکنند مثلاً مهندس زاپونی اینچور بیاید پیشنهاد کند مهندس آلمانی این جور پیشنهاد کند مهندس روسی این جور پیشنهاد کند آن کارل مهندس آمریکائی اینچور پیشنهاد کند این اختلاف پیدا میکند

خارجه کافی نیست شاید ما ده تا مهندس بخواهیم و اگر خودمان بخواهیم مباشرت کنیم و بسازیم شاید بیش از اینها احتیاج داشته باشیم بنده برای اطلاع آقا عرض میکنم که همین تیکه کوچک شما که سندیکا می ساخت گویا صد و هجده نفر مهندس آلمانی وغیره در آنجا کار میکرد برای اینکه مهندس میخواهد و نکتیک میخواهد معمار میخواهد کسیکه سیمت می سازد میخواهد هر کدام یک استاد میخواهد و ما اغلب آنها را نداریم اما راجع بگرانی مهندس فرمودید از این کمتر ما نمی توانیم هیچ مهندس از ممالک دور استخدام کنیم و چنانچه آقا مسبقید عین همین مبلغ براه

مهندس بلژیکی بود که چندی قبل (کوبا یکماه یکماه و نیم قبل بود) که استخدامش در مجلس تصویب شد (فیروز آبادی - آنها زیاد بود) آنها دو بیست و چهل لیره بود منتهی آنرا ششماه اش را یکجا هزار و چهار صد و چهل لیره و این را ماهانه نوشته ایم دو بیست و چهل لیره که همان مبلغ است و البته از زاپون نه یک مملکت دوری است و میزان زندگی در آنجا از بلژیک ارزان تر نیست بلکه گرانتر است کمتر از این راضی نمی شود مهندس که بیاید و بالاخره در این معامله بقول خودمان چانه زدن بعمل آمده است خیلی بیشتر از اینها میخواهند و شرایط سنگین تری میخواهند و ما همه آن شرایط را تخفیف دادیم و بحد اقلی که ممکن بود موافقت شود آوردیم و این را دوباره دیگر نمی شود مذاکره و تغییری داد و هیچ تغییری ممکن نیست این است که در اصل موضوع با باید که مصمم شد مهندس را استخدام کرد یا نکرد اگر بنا شد بکنیم کمتر از این نمی شود.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - رای میگیریم بورود در مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود  
ماده ۱ - مجلس شورای ملی بوزارت طرق وشوارع اجازه میدهد حجه سوزوکی مهندس زاپونی را از تاریخ

آنوقت چه میشود ما پولی داده ایم اختلافی هم پیدا کرده ایم قوه این را هم نداریم که بدانیم کدامیک از اینها مقدمترند آقای فروغی شما نماینده ما بودید در جامعه ملل و یک شخص عالم دانشمندی هستید آقای تقی زاده همینچور بنده جاهلم آقایان آمدند پول هم بسلام وصولوه (همینطور که آقای امیر تیمور گفتند مذاکرات کافی است) خوب دادیم بعد از ششماه این پول هم رفت آخر فکر بکنید مجموعه مهندس چه میکنند برای ما آخر اینقدر تزلزل این قدر عدم تصمیم نسبت بیک مسئله و یک موضوعی خوب نسبت غیر از این نیست که این وزیر نباشد آن وزیر باشد پول از بین می رود مفلس میشویم سی و دو کرور چهل کرور می رود تمام ثروت در ایران آقایان میدانند سی کرور چهل کرور بیشتر نیست این چهل کرور همینچور روزی اینقدرش را بدهیم چه میشود یک ملتی آنروز نامه کرمان را بخوانید حقیقتاً آهای کرمانی ها من دیشب گریه میکردم از آن فقر وفاقه که در کرمان هست علت چیست علت اینست که فالی را نمیخردند دستچرنجی که داشتند از بین رفت عبا رقبا هم که از بین رفته است همه ما هم که باید هر صبح مبالائی چیز کنیم بفرمائید به بینم چکار کنیم این زراعتیان اینهم تجارتیان اینهم صنعتیان این هم مخارج بزرگ منشیان این خواجه تاشانیمان مینویسید دو بیست و چهل لیره آقای تقی زاده میفرمایند لیره یکی شش تومان است بنده پیشنهاد میکنم همان شش تومان را حساب کنید دو بیست و چهل لیره چقدر میشود معنی ندارد در مجلس شورای ملی شما وزیر ملی ما پیشنهاد کنید لیره انگلیسی خیر تومان همان تومان ایرانی هر قدریکه میخواهید تومان ایرانی باشد برای چه لیره چطور آنجا صد و پنجاه تومان مینویسید اما اینجا لیره آنجا چه چیز است اینجا چه چیز است خوب لیره شش تومان است آنرا حساب کنید شش تومان بنده پیشنهاد میکنم بحساب شش تومان باشد ما باید اشتراك مساعی کنیم این یک موضوع موضوع دیگر اینکه آقای تقی زاده نه در آنجا دلیلی که بنده بتوانم

قانع شوم و نه در مجلس دلیل لزوم آوردن این مهندس را فرمودند هر لایحه که میآید باید لزوم آنرا بگویند که بچه دلیل ما محتاجیم یک مجموعه مهندس در اینجا بیاوریم مجموعه مهندس من نمیتوانم بفهمم چطور میتواند توافق نظر پیدا کنند از کجا میدانید که اینها حکومت واحد خواهند کرد اینها در دهائی است که من والله خدا شهادت بتمام انبیاء سرسلین من معتقد ترین اشخاص هستم بشخص آقای تقی زاده بدولت حاضره بنام مقامات اما اینها چیزهایی است که اذعان میکنم والله نمیفهم این

یک بدبختی است عرض میکنم این بولمان این وضعمان اینها آمدند آقا زاپونی روسی آلمانی و این پنج نفر نشستند حاصل این پنج نفر چیست آقای دشتی در کمیسیون فرمودند آقای وزیر محترم مالیه ترتیب اثر بدهید کارل را اقتدر راپرت داد که آقا این سندیکا ضرر دارد برای ما چرا ترتیب اثر ندادید آقا آن مهندس روسی که برای راه آهن بود اینهمه راپرت داد خوب حالا آمدند دیگر این مهندس زاپونی هم آمد و خبر داد مهندس ایتالیائی هم آمد و خبر داد چه ترتیب اثری غیر از دادن پول چیزی هست بنده هیچ لزوم اینها را نمیدانم ترتیب دادن یک مجموعه از مهندس و یک کمیسیونی از مهندسین هیچ نتیجه ندارد و دلیل ملزم بودن ما که یک هیئت مهندس از دون دیگر بیاوریم چیست؟ بله یک چیزی دیشب مطالعه میکردم تازیانه غیرتی است برای ما که اگر در هفتاد سال پیش که زاپون قدم باصلاحات میگذاشت ما هم میگذاشتیم حالا ما هم یک مهندس ایرانی داشتیم هر چه فکر کردم مطالعه کردم به بینم چه نفی برای ما دارد دیدم این یک تازیانه غیرتی است برای ما که ابداد و بیداد اگر ما در هفتاد سال قبل همان وقتی که زاپونی ها قدم بمیدان سعادت و ترقی گذاشتند اگر ما هم می گذاشتیم امسال ما هم سلطان حجه داشتیم

رئیس - آقای کیا موافقید؟

کیا - بنده عرضی نداشتم

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی داشتید ؟  
 وزیر مالیه - بنده معذک با همه بیانات آقا درست آن  
 نقطه را که بیشتر ایراد داشتند تشخیص ندادم ( آقا سید  
 یعقوب - لزوم ) یعنی چرا از ژاپون مهندس میآورند  
 یا اینکه چرا ؟ مدت کم میآورند یا اینکه حقوق زیاد  
 میدهند . عرض میشود . در لزومش اگر عقاید مختلف  
 بشود بنده عرضی ندارم ولی چیزیکه ما لازم تر از همه  
 چیز داریم در میان این صحبتهایی که میشود آنچه که  
 مهمتر و لازم تر و بیعیب تر و بلکه مستحسن تر از همه  
 است همان استخدام مهندسین است برای اینکه مهندس  
 نداریم و مهندس را هم منتها برای رای و مشورتش  
 نمیخواهیم برای اینکه در یکجائی برود و مراقب راه  
 آهن بشود یا درجائی دیگر برود که راه آهن بسازد  
 میخواهیم . ما میخواهیم راه آهن بسازیم و تمدید بکنیم  
 و برای ساختمان آدم لازم داریم و نداریم این چیزی  
 هم که میفرمایند در گذشته اعتنا نکرده اید بنده مسبق  
 لیستم و گمان میکنم دولت در موقع خودش اعتناء بحرف  
 مهندس خودش کرده است ولی بنده میتوانم اطمینان  
 بدهم از وقتی که بنده متصدی وزارت طرق و شوارع  
 شده ام همیشه برای مهندسین خودمان و با آنها کمال  
 اعتماد دارم ولی بد بختانه کم هستند بحرف آنها  
 اعتماد کرده ام و مطابق رأی آنها عمل کرده و حرف  
 کوچکی هم که گفته اند اهمیت داده ام و بنا بر همین بوده  
 است که جلوی خیلی از معایب هم گرفته شده است و  
 وقتی که آن مهندس ما يك رائی بدهد ( و البته  
 خیلی بهتر میشود که چند نفر از مهندسین ما يك  
 رائی بدهند ) و اگر طرف ما که يك کاربرا  
 باو سپرده ایم او هم حرفی بزند البته ماحرف مهندسین  
 خودمان را ول نمیکنیم که حرف او را بگیریم تا حالا  
 این گرفتارها را داشتیم که مهندس کم داشتیم . بعضی  
 اوقات يك نفر بود میرفت يك چیزی را میدید بعضی  
 اوقات هم این خیال حاصل میشود که شاید در موقع بحث  
 یکی میتواند بگوید آن دیگری اشتباه کرده است وبعلاوه

آن چیزیکه عرض کردم تنها برای مشاوره و رای نیست  
 برای مباشرت ساختمان است اول عرض کردم خیلی  
 مهندس میخواهد یکی دوفتر کافی نخواهد بود باز هم  
 عرض میکنم شاید استخدام مهندس دیگر بهم لایحه اش  
 به مجلس بیاید و با زمین مطالب تکرار خواهد شد ولی  
 ما هر چه هر اندازه که لازم است باید مهندس استخدام  
 کنیم و این را آقا باید ملتفت باشید که اگر ما این  
 مهندس را استخدام نکنیم پول ما هدر میرود .

ملک مدالی - کافی است

رئیس - کافی است ( بلی ) پیشنهادهای قرائت میشود .

پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم جمله : ( از تاریخ حرکت ژاپون )  
 از ماده ۱ حذف شود  
 رئیس - آقای کیا

کیانوری - چون این مبلغ زیاد است تقریباً با  
 کرایه در حدود هزار و نهصد و نود تومان میشود در  
 ماه باین جهت بنده میخوانم عرض کنم که از  
 تاریخ حرکت از آنجا اولاً نمکنت که این مسافرت  
 طول بکشد و چون حقوق ایاب و ذهاب هم در ماده  
 دو منظور شده این از تاریخ حرکت حذف شود چون  
 خرج سفر میگیرد و بعلاوه ماهی دویست و چهل یا  
 دویست و پنجاه لیره حقوق میگیرد آنوقت این از  
 تاریخ حرکت چیز زائدی است بجهت اینکه در ماده  
 دو برایش خرج سفر گذاشته اند

رئیس - نظر آقای مخبر چیست .

مخبر - عرض میشود که اینها جزئیاتی است  
 و بعقیده بنده هم خوب است که آقا موافقت بفرمایند  
 پیشنهاد شانرا مسترد کنند زیرا که دولت با این  
 مهندس يك مذاکراتی کرده است و تمام کرده است وقتی  
 که شما بيك مهندس ماهی دویست و چهل لیره حقوق  
 میدهید و فلان مبلغ برای منزل و این ها برای اینکه  
 پنجروز دیر تر حرکت کند یا زود تر آنقدری تفاوت

ندارد نباید حرف زد خوبست موافقت بفرمائید همینطور  
 بگذرد

رئیس - آقا یانیکه پیشنهاد آقای کیا را قابل توجه  
 میدانند قیام فرمایند  
 ( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد - رأی میگیریم بماده اول  
 موافقین با ماده اول قیام فرمایند  
 ( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد - ماده دوم قرائت میشود  
 ماده دوم - حقوق مهندس مزبور از قرار ماهی دویست  
 و چهل لیره انگلیسی و مخارج ایاب و ذهاب مشار الیه  
 جماعاً پانصد لیره انگلیسی خواهد بود که از محل انحصار  
 قند و شکر پرداخته خواهد شد  
 رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - وقتی که لایحه دولت طبع و  
 توزیع شد بنده شب که مطالعه می کردم حقیقه  
 صدو چهل لیره بنظر زیاد آمد بعد که آمد در کمیسیون  
 برگشت شد دویست و چهل لیره آقای وزیر مالیه فرمودند  
 قیمت لیره شش تومان است پس بنده نظریه آقای آقا  
 سید یعقوب را عرض میکنم لا اقل با همان شش تومان  
 تسعیر بکنید و تقریباً ماهی هزارو پانصد تومان بیول  
 خودمان بنویسیم و الا اگر دویست و چهل لیره باشد  
 و با آن تسعیراتیکه غیر از بانک ملی میکنند خیلی بضرر  
 ما تمام میشود و از طرفی واقعا همانطوریکه آقای آقا  
 سید یعقوب فرمودند باید ملاحظه کرد که این پول از  
 کی گرفته میشود این پول از اشخاصی گرفته میشود که  
 قند و چای استعمال میکنند و تقریباً تمام مردم ایران  
 هستند و فقرا و بدبختها آنوقت ما اینجور بی معالسه  
 خرج کنیم این چیز خیلی خوبی نیست و لا اقل تومانش  
 بکنیم بنده معتقدم که باشش تومان تسعیر بکنیم و همان  
 مبلغ تومان را بنویسیم و الا خیلی بر ضرر ما تمام میشود  
 رئیس - آقای دشتی موافقت

دشتی - مخالف بنده

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده وقتیکه دلایل لزوم يك  
 متخصص تصویب شد باید در نظر گرفت اوضاع مالی  
 مملکت خودش را و بالاخره باید تطبیق کرد با زندگانی  
 مادی آن مملکت و دید بجهت نحو مقتضی است که قبول  
 پیشنهادات بشود . بنظر بنده دولت در زمینه مذاکره با  
 نماینده ژاپون و همچنین با مطالعه در این خصوصیات و  
 در نتیجه وظایف خودش این موافقت را ایجاب کرد .  
 ما در اینجا صحبت میکنیم که شش تومان بنویسند یا لیره  
 انگلیسی بنویسند یا چطور بنویسند یا کمتر کنند  
 بنظر بنده مناسبست ندارد اگر نظر آقایان اینست که  
 اساساً این مبلغ سنگین است و نباید تصویب کرد باید  
 ماده اول رد بشود و اگر نظر آقایان اینست که استخدام  
 این متخصص لازم است و پیشرفت فکر مالت و مملکت در  
 موضوع راه آهن این ضرورت را ایجاب میکند باید  
 متوجه این معنی باشد که تعیین حقوق باید با رعایت  
 مصالح آنشخص و اوضاع مملکتی که او زندگی میکند  
 باشد . چون آقای تقی زاده محل اعتماد هستند و توضیحات  
 ایشان مبنی بر این بوده که رضایت اینشخص بکتر از این  
 مبلغ نمیشود باید موافقت کرد و بعلاوه آقا خودشان  
 در نظر دارند که ما فعلاً واحد طلائی انتخاب کردیم و  
 قریباً آن واحد طلا تقریباً مقابلی میکند باین پول حالا  
 اصراری نداریم و نباید داشته باشیم و بعلاوه تا این  
 مطلب که حتماً امروز تبدیل بقران باید کرد و بقران  
 نوشت ضرورتی ندارد و بالاخره هیچ مصلحتی را برای ما  
 تأمین نمیکند

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کم که در اصل لزوم استخدام  
 مهندس بنده وارد نمیشوم برای اینکه آقای وزیر



طرق معتقدند که مهندس کم دارند و باید استخدام بشود ولی راجع بحقوقش بنظر ما گزارش میآید و این که چون آقای وزیر طرق فرمودند لازم است پس بنا بر این بهر مبلغی که گفته شده است ما قبول کنیم این اصلی است که قابل تصدیق نیست. این در صورتی است که ما اولاً معتقد باشیم به اینکه مهندس لازم است و بعد هم مهندس منحصر به فرد باشد یا اینکه منحصر به يك عده باشد که از این قیمت هم کمتر حاضر نباشند ( آقا سید یعقوب - صحیح است ) یا اینکه در این مهندس مایک مزایائی تشخیص داده باشیم که حتماً او را لازم داشته باشیم و از این جهت بهر قیمتی باشد باید او را استخدام کنیم. عرض کنم کارل یکی از مهندسين خوب ما است و عرض میکنم امریکائی هم هست و در امریکا هم ارزاق و زندگانی تقریباً پنج برابر شش برابر گران تر ژاپون است مع ذلك ما کارل را در ابتدا به هفت هزار دلار استخدام کردیم یعنی تقریباً به ثلث قیمتی که امروز این شخص را می خواهیم استخدام کنیم برای اینکه اگر لیره را شش تومان حساب کنیم تقریباً هزار و پانصد تومان در ماه میشود و در سال قریب بیست هزار تومان است و الا با تسعیر واقعی اگر بخواهیم حساب کنیم خیلی بیش از این میشود آنوقت بعد از آنکه کارل آمد اینجا و دو سال کار کرد و ما از خدمات او راضی شدیم و عرض کنیم وزارتخانه تصدیق کرد که او را لازم دارد آنوقت تقریباً به بیست و هشت هزار دلار استخدام کردیم. عرض میکنم این اصل یعنی اصل زیاد کردن حقوق مستخدمین باعث آن شده است که هر وقت ما خواستیم يك کسی را استخدام کنیم او نگاه میکند بمستخدمین سابق می بیند چون حقوق آنها زیاد است او هم تقاضای حقوق زیاد میکند بمالاه از ممالک دور استخدام کردن این بدبدار دارد که چون آنها از مملکت ما از وضعیت ما اطلاع ندارند رغبت ندارند بیایند اینجا و لذا شرایطشان را سنگین تر قرار میدهند و چون خیال میکنند که اینجا

زندگانی گران است شرایط سنگین قرار میدهند و دلیلش اینست که وزارت طرق هر چه با آنها مذاکره میکند آنها از دو بست و چهل لیره کمتر نمیگیرند آنوقت وزارت طرق هم قبول میکند لزومی ندارد راپونی کار کند ممکنست از آلمان استخدام کنند از بلژیک از ابطالی و خیلی از این مناسبت و ارزانتر از این تمام میشود و هم چنین از روسیه هم ما میتوانیم استخدام کنیم و خیلی خیلی هم از این ارزانتر است مثلاً ملاحظه کنید خرج ایاب و ذهاب را پانصد لیره سه هزار تومان معین کرده اند خرج ایاب و ذهاب از ژاپن باین جا برای چه پانصد لیره برای هر طرف هزار و پانصد تومان خوب با کشتی هم کمی آید با درجه اول کشتی حساب که بکنیم بنده تصور میکنم در حدود پانصد تومان هشتصد تومان بیشتر نشود و هزار و پانصد تومان ابتدا نمیشود و پیشنهاد اعتراضی که آقای کیا کردند کاملاً وارد بود شما که مهندس استخدام کردید وقتی که وارد شد این جاحقوف بدهید شما میفرمائید که از روزی که حرکت میکند بلکه دلش خواست که يك هفته در بمبئی و کراچی گردش کنند دو هفته هم در نخت جشید گردش کند و تماشا کند آنوقت شاید بعد از دو ماه وارد این جا شود شما مجبورید این دو ماه را پول بدهید چه داعی دارید و چه الزامی دارید باین کار خرج خانه را هم که مینویسید با دولت است بالطبع خرج مسافرت هم دارد آنوقت تمام خرجش با دولت است پس این دو بست و چهل لیره را برای چه میگیرید حالا آمدیم برای آن دولت خانه معین نکرد باید ماهی صد و پنجاه تومان از برای کرایه خانه او بدهد آخر این چه پولی است که داده میشود مگر پارك میخواست اجاره کند؟ چه معنی دارد این همه گشاد بازی با این ضیق بودجه مخصوصاً يك وزیرى که هم وزیر طرق و شوارع است و وزیر مالیه که به منتهی درجه سیمی در صرفه جوئی دارد این امر فوق العاده عجیب بنظر می آید.

**کفیل وزارت طرق و شوارع** - بنده میخواستم که فرمایشاتی که آقا فرمودند یکی یکی جواب عرض کنم

ولی میترسم نشود این جور چون چیزهایی فرمودند که ممکن است اسباب سوء تفاهم بشود بدبختانه خیلی از این اصول یا مطالبی که اساسش روی آن گذاشتند خود اساس کاملاً دقیق و صحیح نیست با کشتی به بوشهر نمی آید از راه آهن به مسکو میرود و از مسکو به بادکوبه می آید آمریکا پنج شش برابر از ژاپون گرانتر نیست شاید يك و نیم ژاپون از امریکا گرانتر باشد خیلی دست بالا که باشد دو برابر میشود. کارل را به هفت هزار دلار استخدام نکرده بودیم اول با نه هزار یانه هزار و ششصد دلار او را استخدام کرده بودیم حالا اینهارا یکی یکی عرض میکنم مسئله این که از تاریخ حرکت از ژاپن چرا میدهیم برای این که ما باید نمون بشویم یعنی آقایان باید ملتفت باشند که آن قسمتی که برای برگشتن ژاپن را هم میخواستند از ما بگیرند و ما آن را حذف کردیم برای این که اساس کار آنها این طور است که در يك جائی که میخواهند مستخدم بشوند از محل خودشان که خارج میشوند حقوقشان را میخواهند یعنی دولتی یا کمپانی که آنها را عاریه میدهد و قرض میدهد از روزی که از آن جا خارج میشوند پول میخواهند بعضی هاشان شده است که میگویند وقتی به منزلت ما بر میگردیم تا يك ماه دیگر باید پول و حقوق بگیریم راست است که ایرانیها وقتی از شهری به شهر دیگر میروند در موقع جریان چیزی نمیگیرند و از وقتی وارد شهر دیگر میشوند و مشغول کار میشوند حقوق میگیرند ولی آنها هم در این موقع حقوق انتظار خدمت میگیرند حالا این شخص موقع آمدنش را ما قبول کردیم ولی مراجعتش را ما قبول نکردیم این که شاید دو ماه در نخت جشید و بوشهر و این جا ها بماند اینها نیست و اینطور نیست برای این که جزئیاتش در کسنترائی که منعقد میشود ذکر میشود و ما گفته ایم که در کوتاه ترین مدت باید این جا برسد و تقریباً مسلم است که بیش از سه هفته طول

نکشند از وقتی که حرکت میکند شاید دو هفته منتهی سه هفته دیگر این جا خواهد بود. اما مسئله این که چرا صد و پنجاه تومان میدهند صد و پنجاه تومان را برای خانه تنها که نمیدهند درست است صد و پنجاه تومان در طهران خانه عالی میشود ولی این آدم که نمی آید برای ششماه صندلی و میز و تمام مبل و این ها را چند هزار تومان خرج بکنند و تمام اینها را بیاورد و همیشه به مأمورین بلژیکی و مأمورین امریکائی همیشه خانه داده اند یعنی خانه مبله خانه که تویش اثاثیه باشد برای این که آدم غریب در جائی که نمیتواند فوراً خانه تهیه کند لهذا یا دولت باید يك خانه مهیا بکنند و بهشان بدهد یا صد و پنجاه تومان بهش بدهند هر کدام که صرفه دارد همان را خواهیم کرد. اما لب مطلب را عرض کنیم که واقعاً همیشه این مذاکرات میشود اما بنده میخواهم لب مطلب و حقیقت را عرض کنم برای این که وقتی به اصل مطلب متوجه شدید شاید در آتیه هم بشود وقتی که قانون استخدام يك خارجی به مجلس می آید شاید حقتش این است که مجلس شورای ملی مذاکره کند که این لازم است یا لازم نیست وقتی که بجتهائی لازم است یا ملیتشر مطلوب نیست یا کار لازمی ندارد همیشه دلایل را به آن قسمت تمرکز بدهید آنوقت وارد کنید یا قبول کنید ولی بعد از آن که این چیزها قبول شد بنده باید از راه حقیقت گوئی عرض کنم که برای هر قسمت که پیشنهاد میشود باید يك جرایی مثل اول عرض کنیم بعد رأی بگیرند حالا که معین شده است مثلاً صد و پنجاه تومان ما نمیتوانیم صد و بیست تومان بدهیم میگویند دولت قبول کرد یعنی وزارت طرق و شوارع قبول کرده بنده قبول ام قبول مقید قبول بشرط. قبول بقصوب مجلس شورای ملی است اگر مجلس قبول نکند بنده قبول ندارم و ما هم این را در اصول قبول کردیم و بعد از مذاکرات زیاد و چانه زدن آن چیزی که ممکن بوده است معین کرده ایم حالا اگر مجلس بر گرداند چه در این موضوع و

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم اینجا بالاخره مجلس باید بداند بعقیده بنده که چه مبلغ پول میدهد بر طبق فرمایشاتی که آقای وزیر مالیه فرمودند نظر دولت اینست که لیره را از قرار شش تومان الان در بانک ملی و کمسیون اسعار خارجه اینقیمت را برای آن معین کرده اند در صورتیکه قیمت واقعی لیره در خارجه اینطور نیست و با تبدیل به پول ماحیلی بیشتر از این میشود. باین جهت بنده نظرم این است که همانطور که فرمودند همان شش تومان را ما مأخذ بگیریم دولت دستش باز است برای این که اگر يك وقتی لیره خیلی بیش از این قیمت پیدا کردولی آن نرخى که ما میبیردازیم و آن نرخى که ما قبول داریم و کیسیون اسعار ما قبول میکند معادل آن نرخ این پول را بدیم و بالاخره مجبور نشویم که برویم از بازار یا از بانک لیره بمبلغ نه تومان و ده تومان بخریم و بیاوریم و بدیم به این مستخدم نظر بنده این بود و با فرمایشات حضرتعالی هم تطبیق میکند و در جزئیات هم نیست که میگویند بالاخره مبلغ چقدر کم بشود و چقدر زیاد بشود این مطلب را هم رعایت میکنم که دوست و چهل لیره را ما قبول میکنیم که محتاج بمذاکره با مستخدم نشویم می گوئیم دوست و چهل لیره را قبول داریم ولی بانرخى که خودمان قبول داریم و این اشکالی ندارد.

مخبر - عرض میشود که وضعیت لیره در سایر ممالک وضعیت ثابتی است بالاخره مستخدمین خارجی هر جا هستند نظرشان این است که اجرتی که میگیرند طوری باشد و به پولی باشد که قیمت ثابت تری داشته باشد و در مذاکره که در استخدام يك مستخدم دیگری هم دیدیم که آن مستخدم پیشنهاد کرده بود که حقوق او را با دلار بدهند یکی دیگر پیشنهاد کرده بود که لیره انگلیسی در هر صورت رضایت این مهندس باین وسیله بعمل آمده است و با توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند در این که غیر از این نمیشود و نمیشود باکتر از این این مهندس را حاضر کنیم بنظر

چه در موضوع دیگر دو مرتبه مشکل است که مذاکره کند که از کرایه خانه او چیزی کم میکند یا نه و هر چه ممکن است مذاکره شده و باصطلاح میگویند که در خارجه ( قیمت اشیاء هم مقطوع است ) و در این امر ما هر قدر که توانسته ایم چانه زده ایم و بالاخره از این کمتر نشد و عرض کردم در کمسیون شرایط زیاد دیگری هم اول پیشنهاد کرده بودند باضعاف مضاعف که ما آنها را قبول نکرده ایم آنچه که دولت فرض کرد نباید قبول کند ولو آنکه منجر به عدم استخدام آنها بشود و بالاخره به این جا رسیده است حالا این را میشود قبول کرد یا نمیشود قبول کرد که از تاریخ حرکت یا تاریخ ورودش بنده میدانم ولی بطور کلی بسیار مشکل خواهد بود که عوض کنیم و گمان میکنم در سایر کتر آنها هم همینطور بوده است. و گاهی هم آقایان اشاره کردند به مسئله ششماه این گفته نشده است که آخر ششماه برود اینها سابقا هم عرض کردم که حالا اینطور دولت تشخیص داده است از مدتی باینطرف که مستخدمین خارجی را ابتدا بمدت کوتاه استخدام کنیم و قتیکه اینجا آمدند لیاقت و قابلیتشان ثابت شد آنوقت البته میتوان تجدید کند و هیچ مانعی هم نیست که او هم بتجدید راضی شود و بعد هم ممکن است که او را بیک مدت زیاد تری استخدامش را تجدید کنیم لهذا عرض کردم که در جزئیات کترات و تاریخ حرکت و اینجور چیزها شاید پیشرفت نداشته باشد که دوباره مذاکره بکنیم و ترتیب دیگری بدیم بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - پیشنهاد قرائت میشود:

پیشنهاد آقای اعتبار

تبصره ذیل را بماده دو پیشنهاد میکنم:

تبصره - دولت میتواند با پول رایج ایران مقرری مستخدم مزبور را بپردازد در اینصورت نرخ لیره مطابق با قیمتی خواهد بود که کمسیون اسعار و بانک ملی ایران تعیین می نماید.

بنده نمیشود این پیشنهاد را قبول کرد برای این که قبول کردن این پیشنهاد ممکن است سبب بشود که آن نظری را که دولت دارد در استخدام این مهندس اصلاً تأمین نشود این است که بنظر بنده اگر آقایان با آن پیشنهادی که دولت کرده است که لیره باشد موافقت بفرمایند بهتر است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اعتبار را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

( معدودی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم ماده دو این قسم نوشته شود. ماده ۲ - حقوق مهندس مزبور از قرار ماهی یکهزار و چهار صد و چهل تومان الی آخر ماده.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - عرض کنم که همینطور که آقای وزیر مالیه فرمودند نرخ لیره شش تومان است و بنده شش تومان را حساب کردم میشود در ماه یکهزار و چهار صد و چهل تومان اما این که آقای شریعت زاده فرمودند که ما قانون واحد طلا گذرانیم اولاً آن قانونی که ما گذرانیم هنوز مجری نیست یعنی پول آن هنوز رواج نیست و آن قانون ماده دارد که ترتیب رواج پول طلا مطابق قانونی است که از مجلس شورای ملی بگذرد تا این که پول ما مثل لیره انگلیسی بشود. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که با همان نرخى که امروز بانک ملی معین کرده است که لیره شش تومان است به پول خودمان تصویب کنیم و ثانیاً این برای شش ماه است و تصور نمیکند که ششماه دیگر هم ما قانون واحد پولمان مجری بشود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که همان پول خودمان و نرخ امروز لیره را برای او معین کنیم.

مخبر - عرض کنم در آن قسمتی که برای دولت مقدور بوده این رعایت را کرده در قسمت کرایه منزل بهمان پول ایران قید شده است برای اینکه در ایران مصرف می شود در قسمت خرج و حقوق او این پولی است که او

میخواهد برای عائله خودش خرج بکند و تصدیق میکنید که مستخدم خودش اجرت خودش را معین میکند و شما نظرتان به کار او است. به عمل او است و شما هم باید نظر او را راجع به پولی که میخواهد تأمین کنید تا او هم نظر شما را در اعمال مهندسی تأمین کند و در این جا نمیشود تحصیل کرد بطرف که اینطور پیشنهاد میکنند که من پولم را میخواهم به این ترتیب بدهم و شما هم باید قبول کنید و بنظر بنده نمیشود با این پیشنهاد موافقت کرد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای مؤید احمدی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

( عده کمی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر

پیشنهاد آقای سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده دوم حقوق مستخدم ژاپونی از قرار ماهی یکهزار تومان و مخارج ایاب و ذهاب دوهزار تومان معین شود.

رئیس - آقای آقای سید یعقوب

آقای سید یعقوب - بله حالا آقای تقی زاده جواب نمیدهند و آقای یاسائی وارد شد و حالا حرف میزنند آقا جواب شما همان اکثریتی است که دارید کفایت میکند جواب لازم نیست اکثریت رای میدهد بنده و آقای دشتی و آقای مؤید احمدی یا آقای اعتبار هر چه بگوئیم فایده ندارد نهایت يك امیدواری دادند آقای تقی زاده ( محمد علیمرزا دولتشاهی - شما هم که جزء اکثریتند ) بلی بنده هم جزء اکثریتیم ( رئیس - حرفتان را بزنید آقا ) در این جا آقای تقی زاده صحبت کردند که خوب است این صحبت ها در مجلس بشود بنده خیلی خوشحالم که این اختیار را دادند که صحبت کنیم ( خنده نمایندگان ) از این نقطه نظر بنده عرض میکنم دلیلی که بیان کردند در تمام قسمت ها معلوم نشده که آوردن مجموعه مهندس برای راه آهن معلوم نشد حالا که ما میخواهیم به

این ترتیب روابط سیاسی خودمان را مرتبط کنیم پول چرا بدهیم. يك ترتیبی که بنده عرض کردم ابطالیاتی ترتیب راه آهن را يك جور نمیکشد ژاپنی يك جور نمیکشد، روسی يك جور شما می فرماید مهندس لازم داریم بله همرا از يك جا بیارید سه تا لازم دارید از يك جا بردارید بیارید بیست تا لازم دارید از ایتالیایی بیارید از ژاپن بیارید آقا بین آنها اختلاف عقیده پیدا می شود ما در مجلس هستیم و همه مان به دولت عقیده داریم ولی در لوائح اختلاف عقیده پیدا میکنیم بعد از آنکه این مهندسين اختلاف عقیده پیدا کردند چه نتیجه بها خواهند داد. آقای یاسائی حفظه الله که از مبرزین نمره اول است می فرماید که آقا دیگر نباید حرف زد همین که قبول کردید نباید حرف زد کجا نباید حرف زد؟ کجا گفته است و کجا تصدیق کردیم که يك مجموعه مهندس بیاریم. آقای تقی زاده فرمودند که ما برای خط آهن خیلی مهندس لازم داریم بنده هم تصدیق میکنم ولی يك گل از این جا يك گل از آنجا يك گل از آن جا این سه تا گل چطور يك نتیجه خواهد داد بله هر گلی يك بوئی دارد ولی شما چطور این بوهای مختلف که از این سه تا گل چهارتا گل حاصل می شود با هم جمع میکنید بهتر این است که آقای تقی زاده آقای فروغی تصدیق فرمایند که يك مهندسينی را که لازم دارند از يك جا بیارند بعد از آن شما می فرماید که ما مهندس لازم داریم بله من هم قبول دارم که لازم داریم ولی دلیل ذکر نکردید که مهندس مختلف آوردن و از جاهای مختلف برای ما چه نتیجه میدهد. حالا این جور نشد. آمدم سر این ماده بنده ناچار هستم برخلاف میل حضرتعالی لیره تبدیل شود به پول ما آقا يك روزی میلسو بود در کمسیون گفتیم که هر وقت دلار هشت قران است شما میگوئید تومان بدهید و هر وقت که دلار دوازده قران است شما میگوئید دلار بدهید دلار هم يك قیمتی دارد که بالا و پائین می رود با پول ما بعد تسعیر کردیم و گفتیم آقا دلار را يك تومان حساب کنیم حالا این صحبت هایی را که میداریم آقای تقی زاده می فرماید که شش تومان است ما قانون

گذرانیدم واحد پول ما تومان است آقا هنوز که تیسر نکرده است هزار تومان باقا میدهم تشریف بیارند هزار تومان هم وقت تشریف بردنشان میدهم حالا می فرمایند در جزء اول رأی داده نشده یعنی رأی داده شد رد شد اما نسبت به ایاب و ذهاب بنده عرض میکنم آمدن و رفتن چرا پانصد لیره بدهیم حساب کنید آقای تقی زاده می فرمایند که سه هفته طول میکشد سه هفته اگر این گل محترم که تشریف می آورند لیره هم بخورد اینقدر نمی خورد (خنده نمایندگان) لااقل هزار تومان برای آمدن این سه هفته بدهید از هر جایی هم که بخواهد بیاید این قدر نمی خواهد با کشتی هم بیاید این قدر نمی خواهد. از برای رفتن فرمودند که آن مستخدم و مهندس بلژیکی فلان است این مهندس بلژیکی است آقا صد لیره از برای آمدن صد لیره برای رفتن داده اند برای چه باین آدم که دو هفته سه هفته است این قدر میدهد دوست و چهل لیره چرا بدهیم بنده بقدری که ممکن است صحبت میکنم و امیدوارم که آقایان وزراء هم توجه داشته باشند بنده که نمیخواهم وزیر شوم کسیکه مرا وزیر نمیکند و بنده آنچه عقیده دارم می گویم آقایان بلژیکی را صد لیره دادید باین صد و پنجاه لیره بدهید دیگر دوست و پنجاه لیره چرا و آن را هم عرض کردیم به آقای یاسائی قبول کنند که تسعیر تومان بکنیم میگوئید خیر شما باید در آنجا لیره بخانه شان بدهید چطور ما میتوانیم لیره بدهیم پس بنا بر این باید دوست و پنجاه تومان یا مساوی با همین بلژیکی قرار بدهید چرا اینطور قرار میدهد که دوست و پنجاه تومان آمدن دوست و پنجاه تومان رفتن

**وزیر امور خارجه (آقای فروغی) -** اولاً خواهش میکنم از آقای آقا سید یعقوب که یکنفر از آقایان نمایندگان که میگویند این قدر مذاکره لازم ندارد عصبانی نشوند (آقا سید یعقوب - خیر عصبانی نمیشوم) اجازه بدهید ایشان حکم که ندارند جلوی شما را بگیرند خوب میگویند من عقیده ام این است که این دیگر مذاکره ندارد شما میفرمائید که مذاکره لازم دارد جلوبتان را که نمیگیرند پس این یکی. يك فقره دیگر اینکه بنده

وزیر امور خارجه هستم صراحة عرض میکنم استخدام مهندس ژاپنی از برای این نیست که روابط ایران و ژاپن اصلاح شود روابط ایران و ژاپن در کمال خوبی بر قرار است دولت ژاپن هم هیچ این تقاضا را نکرده است که باید مهندس از آنجا بیاریم دولت ایران خودش نظرش باین گرفته است که مهندس ژاپنی استخدام کند ولی يك نکته را باید توجه فرمایند که این امر يك مسئله غامضی نیست که فعلا فرض فرمائید شیخ الرئیس است که حکما باید يك معام خیلی عالی مقامی با دم تعلیم کند تا بفهمد که مهندس اگر از ملل مختلف شد سلیقه های مختلفه ممکن است داشته باشند که اسباب اخلال کار شود این يك چیز واضح ظاهری است. آخر سالهای سال است در این مملکت داریم استخدام میکنیم از ملل مختلفه در يك کار و در چند کار تجربه کرده ایم دیده ایم آن را دیده ایم اگر بداست اگر اسباب اخلال کار میشود دیده ایم اگر اسباب اخلال کار نمیشود آن را هم دیده ایم پس ما که ضروب میکنیم این کار را با آقای تقی زاده هم وزیر بوده اند، هم وکیل بوده اند و از اول مجلس شورای ملی تا کنون همه اینها را دیده اند مذاکره شده با وجود این وقتیکه پیشنهاد میکنند که یکی از بلژیک یکی از آلمان استخدام بکنیم لابد يك مطالعاتی کرده اند یا حالا که از امریکا استخدام بکنیم لابد يك نظری دارند (آقا سید یعقوب - آن نظر را ما نفهمیم؟) البته این را باید رعایت بکنند و ممکن است اینها با هم سازششان نشود اعم از اینکه مقصد ما مختلف است اینها را ما میدانیم مخصوصاً يك نظری بود که ما خواستیم سه نفر از سه ملت انتخاب کنیم دیگر بنده داخل در آن جزئیات پول نمیشوم برای اینکه آقا مقتضی نمیدانم بالاخره مسئله تراضی است وقتی که دولت خواست يك استخدامی بکنند يك مهندسی را بیارند یا یکنفر ژاپنی را بیارند و وقتی تراضی باین شکل واقع شد تازه شما هم مختارید مجلس شورای ملی هم آزاد

است که بگوید خیر با وجود اینکه شما اینطور مقتضی دانستید ما اینطور تشخیص میدهم و رای نمیدهم و الا اینکه میفرمائید آقا من میگویم هزار تومان بدهید اینها فایده ندارد نه ایرانی است نه محکوم دولت ایران است و نه محتاج است که بگویند و حکم بکنند که اینکار راجحاً بکن و بکنند به بنده میتوانید بگوئید که اینکار را بکن یا بفرمائید که تو اینقدر باید پول بگیری و کار کنی اگر نمیگیری بروی کارت باو که خارجی است نمیشود گفت. اما در باب لیره که آقا میفرمایند عرض میکنم اگر پول هر وقت در خارج بخواهیم بفرستیم تکلیف ما این است که لیره بدهیم یا دلار بدهیم این چاره ندارد اگر شما خرجی در خارجه بخواهید بکنید سکه ایران در خارجه خرج نمیشود باید پول خارجه بدهید این پولی را که این جا باید داد بیول ایران میدهم و پول خارجه نمیدهم و نباید داد و نمیدهم هم ولی آن خرجی که باید برای خرج سفر این آدم از اینجا بفرستند ناچار باید به لیره بفرستند باید پول خارجه باشد مادامیکه در طهران حقوق میگیرد پول ایرانی قران بهش میدهند این که دعوی ندارد غیر از این نمیشود اما اینکه نرخ چه باشد عرض میکنم عوض اینکه ما این دعاها را سر این میکنیم که باید چقدر باشد دست بدست هم بدهیم و سعی کنیم (همانطور که دولت کرده است آقایان هم مساعدت کردند) پول خودمان را ثابت نشد نمیشود امکان ندارد چیزی را که در فرنگستان پارسال یکتومان میدادند بخواهید بیارید مطابق امسال که پول ما تنزل کرده است بدهید نمیشود داد يك شخصی را که مستخدم میکنند می آورند اینجا او میخواهد بداند که چه میگیرد و پول دولت ایران بدبختانه در این سال اخیر ترقی و تنزل خیلی کرده و این مسئله تا آنجاهاست که ممکن بوده است تعقیب بشود شده است ولی چطور میشود بيك کسی گفت يك پولی را بگیر که او نمیداند چقدر باید بگیرد این اهتمام در زمان سلطنت بهلوی شده که ناموس ما که فقره بود طلا میشود و این چیزها از بین می رود و ماه

تمام می شود و وقتی که نیابند هیچ نمی شود به نفع ما تمام می شود بنده عرض میکنم وقتی که نیابند بهتر است و محتاج نیستیم باین که اینها بیاوند جهت خراب کردن کارما اینهایی که مال خودمان هستند جهت خرابی بس است از این گذشته بنده پیشنهاد کردم در مدت این شش ماه کلیه حقوق این متخصص نه هزار تومان از جهت ایاب و ذهاب و فرناً خانه و اینها باشد میخواهند بیاوند میخواهند نیابند منحصر نیست در ژاپن باین یک نفر متخصص که ما مجبور باشیم هر چه گفت این شخص قبول کنیم آن سابقی نیست که بیست و هشت هزار تومان سی هزار تومان او را استخدام کردیم. چندی قبل کارل بود که بود او را استخدام کردیم پس وجود او چه حاصلی دارد که او را باسی هزار تومان استخدام کردیم در هر سالی حالا باز دو مرتبه اینها را استخدام کنیم ما پول زیادی نداریم این خون مردم است در این جا جمع می شود میگویند نه بروید خارج این شهر این جا پایتخت است از همه جا پول در این جا جمع می شود مردم يك زندگی نامرتبی دارند يك وضعیت بدی دارند بروید بیرون بهینند زندگی مردم را آنوقت این حقوق زیاد را برای متخصصین قرار دهید و قبیکه قبول نکردند هیچ نمی شود نفع ما تمام می شود.

**مخبر** - عرض می شود بنده خیلی خوشوقت که آقای فیروز آبادی خورده خورده فکرشان دارد نزدیک می شود شش ماه نه هزار تومان ماهی هزار و پانصد تومان می شود (فیروز آبادی - از لایبی است) عرض می شود بنده خیال میکنم مذاکراتی که آقای وزیر امور خارجه و آقای وزیر مساله فرمودند هم کافی بود و هم مؤثر و متع آقای فیروز آبادی البته در نظر دارند که يك صحبتی در مجلس یکوقت فرمودند که هشتصد هزار تومان دولت خرج کرد و چیزی نشد و چون دو سه مرتبه تکرار فرمودند و جواب داده نشد خواستم عرض کنم که این هشتصد هزار تومان طوری نشده هشتصد هزار تومان دولت در ابتدای امر بمباشرت خودش خرج کرد و يك عده مهندسين

آنوقت بیول بهلوی معامله میکنیم و هیچوقت هم دیگر اسم پول خارجه را نمی آوریم و هیچکس هم از ما توقع نخواهند کرد و از هیچکس هم قبول نمیکنیم.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
( چند نفری قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد

**پیشنهاد آقای کیا**

بنده پیشنهاد مینمایم ماده ۲ بطریق ذیل نوشته شود: مخارج مراجعت دویست ایره انگلیسی خواهد بود  
**کیا** - بعد از فرمایشات آقای وزیر امور خارجه بنده استرداد میکنم  
**رئیس** - پیشنهاد آقای فیروز آبادی بنده پیشنهاد میکنم که حقوق متخصص در کلیه شش ماه زیادتر از ۹ هزار تومان نشود.

**فیروز آبادی** - بنده از آنجائیکه گفته میشود که اگر کمتر از این باشد ایشان نمی آیند عرض کنم که ایشان نیابند هیچ نمیشود مثل حالا میشود. از اول ساختن خط آهن ششصد هزار تومان مخارج آمدن این متخصصین و مهندسين شد آمدند و از ما گرفتند و کار ما را خراب کردند دو مرتبه يك عده دیگر را آوردند آنها را هم قبول کردیم بعد گفتند که آنها نمی فهمند مهندس گرفتند آنها هم نکردند دسته دیگر آمدند بیست و سه کرویر پول گرفتند و خراب کردند حالا اینها می آیند اینها هم از چند دولت مختلف اگر اینها متخصصند از يك دولت بس است اگر متخصص نیستند سه چهار دولت نتیجه اش این می شود که شاید آنها بیاوند با هم توافق بکنند و با اصلاحات خودشان پردازند و بکار ما پردازند غالباً دیده شده است که بدیختی ما چون دولتی هستیم يك قدری مسالمت کار غالباً خارجی ها می آیند این جا به نفع خودشان کار میکنند تا اندازه هم شاید از روی عقل باشد برای اینکه وقتی ما آمدم و کارمان يك چیزی شد به آنها ضرر می خورد به تجارت به اقتصاد آنها ضرر می خورد و باید آنها حفظ سیاست و تجارت خودشان را بکنند و هر وقت می آیند این جا پول ما را میگیرند بضرر ما

بیاورند که بهینند طرز کار آنها چطور است و بنظر بنده این اعتراضات صحیح نیست درست است که این پولها بنظر ما گزاف می آید ولی مطالعه کردن در مسائل فنی هم قیمتش زیاد است در دنیا و بنظر ما که با زندگی دیگری عادت کرده ایم بی اهمیت است. بنده استفاده میکنم از فرمایش اخیر خودتان که فرمودید اینها ممکن است بیاوند با هم بسازند چون مایک مات ساده هم و فلان و اینها ولی این برخلاف نظریه است که آقای فرماید عرض می شود اگر از يك ملت بیاورند بیشتر توهم این می رود که با هم بسازند ولی اگر از مال مختلف باشد بهتر است.

**رئیس** - آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد. ( خطاب به آقای آقاسید یعقوب ) پیشنهاد آقا هم در موقع خودش رد شد  
**آقاسید یعقوب** - بله همه اش رد شد.

**رئیس** - رای میگیریم بماده دوم موافقین قیام فرمایند  
( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود ماده ۳ - برای مدتیکه مهندس مزبور در خدمت دولت است خانه مناسبی برای اقامت مشارالیه تهیه میشود و در صورتیکه تهیه خانه با اختیار مهندس مزبور گذاشته شود ماهی یکصد و پنجاه تومان بابت کرایه خانه از محل انحصار قند و شکر بمشارالیه پرداخته خواهد شد.

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنظر بنده اینماده ناقص است برای اینکه از مذاکرات دولت معلوم شد که کرایه خانه و اثنیه لازم است و باید باشد و این منحصرأ راجع به خانه نمیشود بنا براین بنده معتقدم که این تصریح شود ثانیاً این مطلب محل اشکال نیست که دولت می تواند تشخیص بدهد امروز که برای تهیه خانه و اثنیه چقدر میتواند خرج بکند و آیا مصلحت دولت این است که متقبل بشود صد و پنجاه تومان را بدهد یا اینکه خودش

از آمریکا و بعضی جاهای دیگر آورد که یکقسمت مهم نقشه برداری کردند منتهی بعد تصمیم گرفته شد که بهسندیکا واگذار شود در هر صورت هشتصد هزار تومان دور ریخته نشده خرج مقدمات کار شده ممکن است از وزارت طرق يك تحقیقات خصوصی خودتان فرماید بهینند همینطوری است که بنده عرض میکنم (فیروز آبادی - تحقیقات شده) و اما اینکه فرمودند اگر قبول نکنند و نیابند طوری نمی شود. بعقد بنده درست نیست و قبیکه شما در مجلس گفتید که خط آهن را بسازند و یکقسمت عمده اش ساخته شد دیگر حالا مهندس نخواهد يك فرمایشات منطقی نیست و این مذاکره که آقایان میکنند که این مهندسين تشکیل کلکسیونی خواهند داد با نظریات مختلف شما بعقد بنده این يك روزی باید حل شود يك مرتبه دیگر هم بنده خوب یاد می آید در دوره های گذشته این قضیه در اینجا مطرح شد مباحثه شد که آیا دولت ایران بطور کلی از يك مملکت و از يك ملت مستخدم برای کارهایی که لازم دارد بیاورد بهتر است یا بطور مختلف بعضی ها میگفتند خوبست ما تمام مستخدمین را از بازيك بیاوریم چون نمونه اش هم این است که اداره گمرکات اینطور اداره شده است يك عده میگفتند از آلمان بیاوریم يك عده میگفتند همه را از فرانسه بیاوریم بعقد بنده وقتی می شود در این مطلب تصمیم گرفت که دولت در نتیجه استخدام مستخدمین از ملل مختلفه يك مطالعات بیشتری کرده باشد. اولین دفعه ایست که شما میخواهید يك مستخدم ژاپنی بیاورید بالاخره برای شش ماه. این مهندس ژاپنی باید طرز کار آنها را هم دولت ایران با طرز کار يك مهندس آلمانی یا يك مهندس امریکائی بفهمد و بعد از اینکه يك تجربیاتی بدست آورد همانطوری که آقای وزیر مالیه فرمودند مهندسين بیشتری لازم داریم و البته باید مجلس تصویب کند در موقع خودش برای اینکه نمی شود مساله راه آهن موقوف بماند و آنوقت ممکن است دولت تصمیم بگیرد که حالا مطالعه کرده ام بیست نفر مستخدم تمام از بازيك یا تمام از آلمان باشد ولی هنوز آن مطالعات کامله نشده الان در نظر دارند از ایتالیا اگر بشود مهندس

خانه تهیه کند و بدهد بنده خیال میکنم که اگر دولت همان قسمت دوم را انتخاب کند که خودش خانه و اثاثیه برای او تهیه کند بهتر است بنده باین ماده مخالفم **مخبر** - عرض میشود بنده موافقم و بهتر اینست پیشنهاد کند و قید شود کرایه خانه و اثاثیه بابت دولت خودش تهیه کنند یا این مبلغ را بدهد

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - اینجا آقای یاسائی توجه بفرمائید بک اصلاح عبارتی است مینویسد: ( برای مدتی که مهندس مزبور در خدمت دولت است خانه مناسبی ) مهندس از امروز که کمتر ازش درست میشود در خدمت دولت است پس بنویسید پس از ورود بعد از اینکه وارد شد خانه مناسبی حالا خودتان چیز کنید بنده هم پیشنهاد میکنم.

**یاسائی** - پیشنهاد کنید.

**رئیس** - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده سوم نوشته شود پس از ورود مستخدم دولت خانه مناسبی الی آخر

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

**آقا سید یعقوب** - توضیح همان بود که آقای یاسائی توجه کردند این جا نوشته اند برای مدتی که مهندس مزبور در خدمت دولت است خانه مناسبی برای اقامت مشارالیه تهیه میشود و در صورتیکه تهیه خانه با اختیار مهندس مزبور گذاشته شود ماهی یک صد و پنجاه تومان از محل انحصار قندوشکر بمشارالیه پرداخته خواهد شد. پس از ورود مهندس مزبور دولت خانه برای مشارالیه تهیه میکند ولی اگر خانه اجاره نکرد و یا اگر این ترتیب نشد صد و پنجاه تومان میدهد برای اصلاح عبارتی این پیشنهاد را تقدیم کردم

**مخبر** - بنده موافقم

**رئیس** - پیشنهاد آقای شریعت زاده قرائت میشود. پیشنهاد میکنم که خانه و اثاثیه مناسبی دولت بخرج خود برای مهندس مزبور تهیه و تسلیم نماید.

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - بنده از این پیشنهاد منظورم حذف پرداخت صد و پنجاه تومان است یعنی منحصراً دولت خانه و اثاثیه مناسبی برای این مهندس تهیه بکنند برای اینکه معتقد هستم با مبلغی کمتر از این ممکن است این کار را کرد پس باینجهت منظورم حذف قسمت صد و پنجاه تومان است

**مخبر** - عرض کنم بموجب این ماده دست دولت بزر خواهد بود که هم خودش خانه تهیه کند و اگر خانه تهیه نکند صد و پنجاه تومان بدهد و اشکالی هم ندارد یک اداره با شخصی را مامور میکنند که برو خانه اجاره کن که موقع ورود این مهندس حاضر باشد بنده فقط با آن قسمت پیشنهاد آقای شریعت زاده موافقم که بعد از کله بابت کرایه خانه اضافه شود و اثاثیه همین قسمت از پیشنهاد ایشان را بنده موافقم

**شریعت زاده** - بنده هم بانظر آقای مخبر موافقت میکنم

**رئیس** - تصحیح میکنید با همینطور؟

**شریعت زاده** - بلی

**رئیس** - پس بنا بر این رأی میگیم بماده سوم با اجابت پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و افزودن کلمه اثاثیه بعد از خانه بنحوی که آقای مخبر قبول کردند موافقت قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد. مذاکره در کلیات است

**آقا سید یعقوب** - ماده چهارم

**رئیس** - ماده چهارم قرائت میشود

ماده ۴ - سایر شرایط و قرار داد استخدام مشارالیه مطابق قانون ۲۳۰۱ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد

**رئیس** - مخالفی نیست. رأی میگیریم بماده چهارم موافقت

قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

**رئیس** - تصویب شد. مذاکره در کلیات آخر است

مخالفی نیست . . . . .

[ ۵ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه ]

**رئیس** - آقای وزیر مالیه بفرمائید

**وزیر مالیه** - بنده دو فقره لایحه راجع بوزارت مالیه دارم که نمی خواهم شرحش را مفصلاً عرض کنم یکی راجع بفروش بعضی ابنیه دولتی است که لازم نیست و یکی هم راجع باعتبارات خود وزارت مالیه است برای لایحه دوم تقاضای فوریت هم باید بکنم.

[ ۶ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه ]

**رئیس** - چون چهاردهم مهر زدی است و کارهایی هم که در نظر است مترصد آقایان که زودتر بگذرد اگر آقایان تصویب بفرمایند جلسه آینده پنج

شنبه دهم مهر ماه سه ساعت قبل از ظهر و آقایان توجه داشته باشند که اول وقت تشریف بیاورند که کارهایمان را انجام بدهیم .

( مجلس یکریع ساعت بعد از ظهر ختم شد )

**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

**فیروز آبادی** - بنده یک تبصره پیشنهاد کرده ام.

**رئیس** - دیگر مجالی برای پیشنهاد تبصره نیست. رأی میگیریم بمجموع قانون با ورقه موافقت ورقه سفید خواهند داد.

( اخذ و استخراج آراء بعمل آمده پنجاه و شش ورقه سفید و دو ورقه کبود تعداد شد )

**رئیس** - عده حاضر ۸۰ با اکثریت پنجاه و شش رأی تصویب شد

[ ۴ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه ]

**رئیس** - آقای وزیر امور خارجه.

**وزیر امور خارجه** - لایحه قانونی است پیشنهاد میکنم به مجلس مقدس شورای ملی راجع به تعیین تکلیف آثار عتیقه مملکت ایران ( نایندگان صحیح است احسن ) و زیاد هم طولانی نیست و نمادارم که اهمی بفرمایند آقایان که در همین دوره این قانون بگذرد.

اسامی رأی موافقتین - آقایان رفیق - موثر - کبای نوری - وهاب زاده - خواجوی - حبیبی - طهرانی - فرمند درباری - نوبخت - دیوان یکی - اقبال - حاجی سید محمود - میرزا عبدالحمیدخان دیبا - محمد علی میرزا دولتشاهی - ایزدی - مهدودی - امیر دولتشاهی - ملک آرائی - نجومی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - افغنی - ظفری - ضیاء - دکتر عظیمیا - شریعت زاده - میرزا بانس - ذوالقدر - امیر تهور - جلائی - اسعد - شریفی - اسدی - قراگوزلو - طالش خان - طباطبائی دیبا - کفائی - آقا زاده - سزواری - یاسائی - رهبری - حکمت - مولوی - محمد ضیائی - لاریجانی - دکتر لقمان - ساکینان - قوام - ناصر - دبستانی - طباطبائی و کلبائی - مؤید احمدی - ملک زاده - صادقی - ابراهیمی - اعتبار - آقایان - آقا سید کاظم یزدی - اسامی مخالفین - آقایان - طلوع - دشتی -

## قانون

اجازه استخدام آقای حجه سوزوکی مهندس ژاپونی بسمت مهندسی

اداره راه آهن برای مدت ششماه

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت طرق وشوارع اجازه میدهد که آقای حجه سوزوکی مهندس ژاپونی را از تاریخ حرکت از ژاپون برای مدت شش ماه بسمت مهندسی اداره راه آهن استخدام نماید

ماده دوم - حقوق مهندس مزبور از قرار ماهی دو بیست و چهل لیره انگلیسی و مخاج ایاب وذهاب مشار الیه جمماً بانصد لیره انگلیسی خواهد بود که از محل انحصار قند و شکر پرداخته خواهد شد

ماده سوم - پس از ورود مهندس مزبور برای مدتیکه در خدمت دولت است خانه مناسبی برای اقامت مشار الیه تهیه میشود و در صورتیکه تهیه خانه و اثاثیه باختیار مهندس مزبور گذاشته شود ماهی یکصد و پنجاه تومان بابت کرایه خانه و اثاثیه از محل انحصار قند و شکر به مشارالیه پرداخته خواهد شد

ماده چهارم - سایر شرایط و قرار داد استخدام مشار الیه مطابق قانون ۲۳ عقر ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه هشتم مهر ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر